

لیندسی گراهام، سناتور جمهوری‌خواه، علت عدم واکنش آمریکا به ساقط کردن پهپاد جاسوسی توسط ایران را بیان کرد

تراپ از آیت‌الله ترسید

صفحه ۲

ششمینشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۸ ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱ ۱۷ دسامبر ۲۰۱۹ سال دوازدهم | شماره ۲۸۸ | صفحه ۸ | اتومانی

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

یادداشتی درباره تحلیل‌های جوکری؛ نمایش خشونت و نقد سرمایه‌داری لزوماً ترویج خشونت و نفی سرمایه‌داری نیست

جوکر علیه خیابان

صفحه ۸

VATAN-E-EMROOZ | VOL.12 | NO.2818 | TUE.DEC.17, 2019 | ISSN:2008-2886

۱۸۸۱ سال و ۴ روز گذشت |

«وطن امروز» از پشت پرده اصرار عجیب دولت و اصلاح‌طلبان برای تصویب لوایح ضد امنیت ملی CFT و پالمو

در مجمع تشخیص مصلحت نظام رمز‌گشایی می‌کند

پروژه انتخاباتی FATF

گزارشی درباره مهم‌ترین ابهامات لوایح مرتبط با گروه ویژه اقدام مالی؛ آنچه دولت درباره FATF پنهان می‌کند

با طناب پوسیده به چاه FATF نروید

صفحات ۲ و ۵

با توجه به آنکه ماهیت دور زدن تحریم‌ها از نظر FATF انجام جرائم سازمان‌یافته فراملی است، پیوستن به کنوانسیون‌ها این مشکل را برای کشور ایجاد می‌کند و اهرم در اختیار نظام یعنی مجاری دور زدن تحریم از بین می‌رود. برای نمونه انتقال اسکناس دلار با توجه به تحریم‌های آمریکا صرفاً از طریق غیررسمی امکان‌پذیر بوده و این از نظر آنها به معنای پولشویی است. همچنین فروش نفت در بازار غیررسمی که به دلیل تحریم‌های آمریکا برای ایران ضروری است می‌تواند از نگاه FATF مصدافی از جرائم سازمان‌یافته تلقی شود

برخی مدعی شده‌اند روس‌ها گفته‌اند «اگر ایران به لیست سیاه بازگردد کار کردن با ایران دشوار می‌شود»، این ادعا در حالی است که چین و روسیه در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ (۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵) با ایران همکاری بانکی داشتند، لذا تجربه نشان می‌دهد برای کشورهای فوق وضعیت ایران از نظر FATF مساله اساسی نیست. اتفاقاً ۲ کشور چین و روسیه در سطح راهبردی به دلیل رفتارهای دولت روحانی بعد از برجام، نارضایتی دارند که به طور طبیعی خود را در حوزه‌های مختلف نمایان می‌کند. برای حل این مشکل باید تصمیماتی در سطوح راهبردی اتخاذ شود

مکانیزم خروج از کنوانسیون‌ها یکسان است. «عدم ادامه عضویت، یک سال پس از تاریخ وصول اعلان توسط دبیر کل سازمان ملل متحد نافذ خواهد بود»، لذا تصمیم برای خروج از کنوانسیون، حداقل یک سال بعد موثر و اجرایی خواهد شد. به عبارت دیگر باید حداقل یک سال هزینه‌های پیوستن به کنوانسیون را پرداخت. تجارب نظام نشانگر آن است که در صورت عضویت در یک کنوانسیون بین‌المللی، خروج از آن در زمان آشکار شدن هزبنه‌ها، به دلیل هزینه‌های متعدد، به عنوان یک راهکار مدنظر قرار نمی‌گیرد

اظهارات جدید مقامات دولتی و رسانه‌های وابسته به دولت درباره ضرورت تصویب لوایح دوگانه FATF (لویح پالمو و CFT) در ظاهر به بهانه نزدیک شدن به ضرب الاجل FATF و مهلت آن به ایران برای تصویب لوایح دوگانه مطرح می‌شود اما دولتی که نشان داده از ابزار سیاست خارجی برای پیشبرد امور حزبی استفاده می‌کند، ۲ ماه مانده به انتخابات مجلس بدون توجه به هزبنه‌های اقتصادی و امنیتی تصویب CFT و پالمو، آیا به دنبال دادن امتیاز جدیدی به غرب است تا با یک نمایش توافق، به کاندیداهای خود در انتخابات مجلس تنفس مصنوعی بدهد؟

یادداشت امروز

یک‌پدیده‌سیاسی-اجتماعی‌مواجه‌هستید،می‌تواند بسیار خطرناک باشد. همه چیز را از منظر دشمن تحلیل خواهید کرد، در حالی که مسأله اصلی میان شما و بخش‌هایی از جامعه خودتان رخ داده و اساساً راه‌حلی برای آن ندارید. به این ترتیب، به مسأله اصلی توجه نخواهید کرد؛ ۱۰ مسأله روزبه‌روز بزرگ‌تر می‌شود و ممکن است زمانی برسد که مجبور شوید به آن توجه کنید اما دیگر دیر شده است.

اما درباره آشوب‌های آبان ۹۸، خطای مهلک دقیقا زمانی روی خواهد داد که به موضوع، امنیتی نگاه نکنید. به فهم من، این بار تنها زمانی قادر خواهیم بود این پدیده را در شکل واقعی‌اش مشاهده کنیم که از زاویه دید دشمن به آن نگاه کنیم.

داستان از این قرار است: از نیمه اردیبهشت ۹۸ ایران نوع خاصی از رفتار عملیاتی-راهبردی را آغاز کرد که تقریباً همه داری‌های راهبردی دولت آمریکا در منطقه را به مخاطره انداخت. از دید دولت آمریکا، ایران بر اثر اجرای راهبرد فشار حداکثری با باید فرومی‌پاشید یا پای میز مذاکره می‌نشست. از اردیبهشت امسال، آمریکایی‌ها دیدند نت‌های ایران فروپاشیده، بلکه شروع به واکنش نشان دادن کرده و این واکنش‌ها، هم در حل از بین بردن برجام به عنوان مهم‌ترین سرمایه راهبردی غرب علیه ایران است، هم به نظام بازدارندگی سنتی آمریکا در منطقه

نگاه

وضعیتی که اقتصاد ایران طی ۶ سال گذشته در آن نفس کشیده را به طور خلاصه می‌توان «گیر افتادن در تله برجام» نامید. فالغ از اینکه برجام خوب بوده یا بد، اقتصاد ملی ما از ابتدای سال ۹۲ مکرر با ضربه‌لگ مذاکرات و مناقشات مربوط به آن بالا و پایین شده است. در مقام تشبیه، اقتصاد ملی کشور طی ۶ سال اخیر به تلویزیونی شبیه بوده که کنترل آن دست همسایه است و ما تنها مجبوریم کانال‌هایی را که او دوست دارد، تماشا کنیم؛ حتی بعضی وقت‌ها فقط برق! منطق اصلی زیربنای مذاکرات نیز چیزی غیر از این نبود، با این تفاوت که در ادبیات آقای روحانی، از لفظ کدخدا و ساختن با او به جای همسایه و نگاه کردن کانال‌های دلخواه او استفاده شد. نگاه دولت از همان ابتدا این بود که تلویزیونی که کنترل آن دست همسایه باشد، بهتر از تلویزیون نداشتن است.

وسط کار اما معلوم شد همسایه مدنظر مستاجر بوده و ما باید دوباره با فردی جدید پیرامون چگونگی تماشای تلویزیون مذاکره کنیم؛ کمی بعدتر معلوم شد مستاجر قبلی اگر تنها روی کانال‌ها نوزی می‌لن‌داخت تا آقای ظریف و عراقچی می‌نقض فاحش و غیرفاحش برجام را متر کنند اما مستاجر جدید، اساساً سیم

لطمه تاریخی زده و هم متحدان آمریکا را ترسانده و به فکر مصالحه با ایران انداخته است. آمریکا می‌دید اماراتی‌ها جز اینکه نقش خود را در یمن تعدیل کرده‌اند، در عالی‌ترین سطوح امنیتی به تهران می‌روند و درخواست کاهش تنش دارند. سعودی هم که پس از حمله آرامکو سخت به وحشت افتاده، دانما واسطه می‌فرستد و به دنبال راهی برای آغاز گفت‌وگو با ایران است. حتی اسرائیل هم بیش از آنکه به رویارویی با ایران بیندیشد، به این فکر می‌کرد که اگر حملاتی با کیفیت آرامکو علیه سوزمین‌های اشغالی انجام شود، تا چه حد آسیب‌پذیر و بی‌پناه خواهد بود. آمریکا مدت‌ها در اندیشه بود راهی پیدا کند و ورق را برگرداند. ضمن اینکه دولت آمریکا به‌شدت نیاز داشت شریاطی ایجاد کند که بتواند استدلال کند سیاست فشار حداکثری موفق بوده و با تداوم این سیاست می‌توان ایران را پای میز مذاکره به سرسر یک توافق جامع نشانند که خروجی آن «انقلاب‌زایی» کامل از ایران باشد.

از سوی دیگر، دولت روحانی در ایران در بدترین وضعیتتی به سر می‌برد که اساساً یک دولت می‌تواند در آن قرار داشته باشد. روحانی رئیس‌جمهوری است

که اکثریت مطلق جامعه حتی کسانی که به او رای داده‌اند- درصدد خلاص شدن از دست او هستند و مطابق نظرسنجی‌های موجود، یک اجماع تقریباً کامل در افکار عمومی ایجاد شده در این باره که باید کشور را از دست او نجات داد. طبیعی است که روحانی هم نباید می‌ایستاد و زوالی چنین دردناک و سریع را نظاره می‌کرد. به دلایلی که قبلاً نوشته‌ام، یک ارزیابی این است که آقای روحانی تصمیم گرفت یک اقدام انتحاری انجام دهد و در حالی که نمی‌دانست نتیجه چه خواهد شد، با گران کردن بنزین به این شکل خاص و در این زمان خاص، اوضاع به‌هم‌ریخته شود تا ببیند از دل این به هم ریختگی روحانی می‌دانشت ریسک امنیتی ماجرای بنزین تا کجاست و همه آنها هم که باید هشدار می‌دادند، هشدارهای لازم را داده بودند. آقای روحانی، به‌رغم همه هشدارها و حتی مصوبات شورای امنیت ملی، طرح گران کردن بنزین را اجرا کرد، فقط به این دلیل که تصور می‌کرد جز با تلاش برای یک عدم تعادل بزرگ اجتماعی و سیاسی، شناسی برای تداوم حیات سیاسی نخواهد داشت.

با این دولت چه کنیم؟

امنیتی نگاه کنید، سیاسی تصمیم بگیرید

| مهدی محمدی |

این ۲ مسیر داخلی و خارجی در نالی‌های ۲۶ و ۲۷ آبان ۹۸ روی هم افتاد. این یک ساده‌اندیشی نابخشودنی نخواهد بود که تصور کنیم همه چیز تصادفی بوده است. در این سطح، هیچ چیز تصادفی رخ نمی‌دهد. جامعه‌ای سخت تحت فشار که در ماه‌های گذشته تورم کمر آن را خم کرده بود و از آقای روحانی هم جز خنده‌های مستانه و انکار پی‌درپی وعده‌ها چیزی نمی‌شنید، بیکاره حس کرد از سوی دولت بشدت نادیده گرفته شده و شایه‌نگام، زندگی اقتصادی نیمه‌جانش دوباره شبیخون خورده است، مثل همیشه، دشمنی که در کمین نشست، با مهارت بر یک زمینه داخلی سوار شد و توانست برای مدتی کوتاه، اعتراض را به آشوب و امر اجتماعی و اقتصادی را به امر سیاسی و امنیتی تبدیل کند. هیچ کسی نمی‌تواند ادعا کند حمله به پادگان‌های نظامی، بانک‌ها، فروشگاه‌ها و کشتن مردم بی‌گناهی که در حال عبور از خیابان بوده‌اند، کار «مردم» بوده است. الکیی از خشونت که این بار مشاهده شد، شدیدتر و سازمان‌یافته‌تر و حرفه‌ای‌تر از آن بود که بتوان آن را به مردم عادی نسبت داد و اساساً اگر روزی مردم عادی یک شهر- چه رسد به یک کشور- تصمیم

بگیرند دست به چنین حجم و سطحی از خشونت بزنند، در همان ساعات اول چیزی از ملک و ملت باقی نخواهد ماند. اتفاقاً سطح بسیار بالای خشونت موجب شد تفکیک معترض از آشوبگر، همان جا کف خیابان رخ دهد. اطلاعات فراوانی در دسترس است که نشان می‌دهد آمریکایی‌ها- همان‌طور که در عراق، لبنان و هنگ‌کنگ طی ماه‌های گذشته نشان داده‌اند- در مدل جدید خلق آشوبی که این روزها در حال پیاده‌سازی آن هستند، تلاشی بسیار ظریف و جدی آغاز کرده‌اند تا نتوان معترض را از آشوبگر تفکیک کرد، با این هدف که برخورد فله‌ای با مردم به ایجاد زخمی چنان عمیق بینجامد که بتوانند ناآرامی را ماه‌ها و بلکه سال‌ها کش بدهند و از دل آن تعلق امور، اسقاط دولت‌ها و تغییر رژیم‌هایی را که نامطلوب می‌دانند، بیرون بکشند. با کنار کشیدن تقریباً کامل مردم از این صحنه، ضدانقلاب و اوپاش مسلح به‌طور طبیعی بیش از چند ساعت دوام نیاورند و پروژه شکست خورد. در داخل نیز، می‌خواستند از دل این پروژه هم پولسی در بیآورند و بخش کنند و هم با امنیتی کردن فضا جریان انقلابی را روبرووی مردم قرار دهند. نظرسنجی‌های انجام‌شده پس از اعتراضات

۱۸ اردیبهشت ۹۸ به این سو بوده است. سیدعباس عراقچی، معاون سیاسی ظریف‌اخیرا در همین زمینه به یک رسانه هلندی گفته است: «یکی از درس‌های ما از برجام این است که ظاهراً نتیجه توافق و پایبندی به آن، تحریم‌های جدید بود. درس دیگر که گرفتیم این بود که مقاومت بیش از همکاری جواب می‌دهد». شواهدی اما پیرامون سفر روزهای آینده آقای روحانی به ژاپن وجود دارد که عکس این گفته را نشان می‌دهد. البته ان‌شاءالله شواهد دروغ می‌گوید و گریه است! در غیر این صورت باید فاتحه همان اندک امید آقای ظریف را هم پیشاپیش بخوانیم!

| |
|---|
| انالله و انا الیه راجعون |
| با اندوه فراوان در گذشت |
| مرحوم «زهرا عبدالحمیدی» |
| خبرنگار خبرگزاری فارس |
| راه به عموم همکاران رسانه‌ای تسلیت |
| عرض نموده: برای آن همکار فقید، غفران الهی |
| و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت داریم |
| وطن امروز |

انجام دهند!» حالاً اما اخیراً محمدجواد ظریف با مثبت ارزیابی کردن پیوستن ۶ کشور عضو اتحادیه اروپایی به اینستکس، گفته است: «احتمال اینکه مکانیزم اینستکس با امضای تفاهننامه بین طرف ایرانی و طرف اروپایی به اجرا درآید، در آینده وجود دارد». تعلق اروپا البته تنها معلول نحیف بودن قلمت کوتوله‌اش برای این کار نیست، اروپایی‌ها بارها اعلام کرده‌اند در مواجهه با ایران، هدف مشترکی با ایالات متحده دارند و خب! وقتی چنین مکرر به ریش‌مان دست بازی دادن ما و خندیدن مکرر به ریش‌مان دست بردارند؟ امید البته چیز بدی نیست و امیدواری تمام نشدنی آقای ظریف به احتمال اجرایی شدن اینستکس در آینده می‌تواند از جهاتی برای روحیه خودشان مفید باشد!

تحولات چند ماه گذشته اما نشان می‌دهد همین اندک امیدواری باقیمانده وزیر امور خارجه نیز نه نتیجه مذاکره ایشان با اروپایی‌ها که حاصل گام‌های ایران در راستای کاهش تعهدات برجامی از

کردند، دقیقاً چون خودمان قفل‌کمان می‌شد و تازه خوش‌مان هم می‌آمد در مقام تشبیه، اروپا کودک ۲ ساله‌ای بود که مادوست داشتیم یک گالن صندل‌تری آب را برای حل مشکل آب خوردن مردم از دامنه‌های پل به قله دماوند بیاورد. حسن روحانی یک روز پس از خروج آمریکا از برجام در گفت‌وگوی تلفنی خطاب به امانوئل مکرون گفت: «روپا در شریاط کنونی فرصت بسیار محدودی برای حفظ برجام در اختیار دارد!» چند روز بعد از این مکالمه، عباس عراقچی با اعتماد به نفسی مثال‌زدنی تصویر روشن‌تر از این «فرصت محدود» ارائه داده، به تلویزیون دولتی آلمان اعلام کرد: «دکتر روحانی محدودیت و بازه زمانی برای ما تعیین نکرده و تنها گفته چند هفته اما من گمان نمی‌کنم گفت‌وگوها بیش از ۴ هفته زمان ببرد.»

۶ ماه بعد از آن تاریخ، همبن آقای عراقچی مجدداً می‌گفت: «روپایی‌ها تا ۱۳ آبان وقت دارند و از این تاریخ به بعد فایده‌ای ندارد. که بخوایند کاری